

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

نقش وراثت، محیط و جغرافیا در تربیت رفتار)

زهرا ملک محمدی *

گروه علوم تربیتی مدیریت برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن
alimalekmohammadi99@gmail.com

علی ملک محمدی

گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس
alimalekmohammadi99@gmail.com

چکیده

بی شک در عملکرد رفتاری افراد اراده ای که خداوند به انسان داده است نقش اساسی را دارد اما در پیرامون اراده عواملی همچون وراثت، محیط و جغرافیا وجود دارند که سبب تصمیم گیری بر چگونگی زندگی افراد می شود که جبر و اختیار در رابطه ای تنگاتنگ مسیر زندگی و واکنش های فرد در آن را تعیین می کند که هر موقعیت جغرافیایی و ویژگی های انسانی آن رفتاری خاص خود را پیشنهاد و ترویج می دهد که در مواردی به سود و در مواردی به ضرر انسان است اما نکته قابل تامل و مثبت آن است که می توان با برنامه ریزی بر محیط زندگی و استفاده از دانش و تکنولوژی اثرات منفی محیط، وراثت و جغرافیا را به مرور تحت کنترل در آورد. هدف از پژوهش حاضر قضاوت بر رفتار کلی جوامع و ریشه یابی آن رفتار می باشد به همراه یافتن راهی برای تغییر و بالا بردن کیفیت رفتار و زندگی بشر؛ روش پژوهشی در این نوشتار توصیفی تحلیلی بر مبنای روش کتابخانه ای می باشد.

واژگان کلیدی: وراثت، محیط، جغرافیای شهری، تربیت، رفتار

مقدمه

رفتار فرد نتیجه تاثیر متقابل عوامل ارثی و محیط جغرافیایی همراه با محیط اجتماعی و فرهنگی روی یکدیگر است (شریعتمداری، ۱۳۸۷). یکی از حوضه های پژوهشی در علم ژنتیک، ژنتیک رفتاری است که به مطالعه ی وراثت، خصوصیات رفتاری و شکل گیری رفتار بر اساس ژنوم می پردازد. برخی از دانشمندان معتقداند که تکامل شخصیت انسان ناشی از تاثیر عوامل ژنتیکی است و برخی دیگر بر این باور بودند که شخصیت انسان از محیط تاثیر می پذیرد امروزه این اعتقاد مقبولیت بیشتری یافته که شکل گیری شخصیت ناشی از هردو عامل محیط و ژنتیک است این نظریه به عنوان تاثیر و تاثیر متقابل ژن و محیط یا نظریه ی سرشت و تربیت شناخته شده است (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲). محیط روانی از لحاظ مفهوم با محیط جغرافیایی و محیط اجتماعی و فرهنگی فرق دارد و به عنوان یک عامل اساسی و عمده در رفتار فرد تاثیر می گذارد. منظور از محیط روانی شرایط و اوضاع و احوالی است که روی رفتار فرد اثر می گذارد و فرد این شرایط و اوضاع و احوال را به نحو خاصی درک می کند. در اینجا باید چند نکته را تذکر داد، اول اینکه شرایط جغرافیایی و محیط اجتماعی و فرهنگی خاص در تمام افراد به یک نحو نفوذ ندارد یعنی اگر دو یا چند نفر در شرایط خاص جغرافیایی زندگی کنند و محیط اجتماعی و فرهنگی ایشان نیز یکسان باشد تاثیر این شرایط روی هر یک از افراد و طرز برخورد آنها با این شرایط کاملا مختلف است، روی این زمینه نمی توان گفت عوامل محیطی روی رفتار افراد به یک نحو اثر می گذارد. علت اینکه تاثیر محیط خاص روی افراد معین فرق می کند مربوط به این است که هر یک از افراد با تجربیات مختلف، تمایلات و رغبت های گوناگون، احتیاجات و هدف های متنوع و وضع تربیتی خاص در مقابل عوامل محیطی قرار می گیرد (شریعتمداری، ۱۳۸۷). در طول تاریخ، بشر کره ی زمین را در نوردیده و به تغییر شکل آن همت گمارده اند. انسان در این روند چشم اندازهای جغرافیایی را در حد توان و تکنیک خود متحول ساخته و مدام به تدبیر در مورد روش های جدید زندگی پرداخته است (نظری، ۱۳۸۳). محیط جغرافیایی بر شکل گیری رفتار در انسان ها تاثیر گذار بوده است اگرچه امروزه عقل محض، ارتباطات و تکنولوژی از اثرات جغرافیا کمی کاسته است و سطح اندیشه ی اندیشمندان جهان را به هم نزدیک کرده است اما هنوز قدرتی اثرگذار در سبک و کیفیت زندگی می باشد. اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می شود که بر خلاف اکثر پژوهش ها عوامل یاد شده در بالا را در کنار هم و تاثیر گذار بر هم مورد توجه و تحقیق قرار داده و عامل جغرافیا را با محیط کوچک اطراف فرد یکی ندانسته و با دیدی کل نگر آن را مورد تحقیق قرار داده.

فرضیه

وراثت برای فرد (و آینده اش) حکم جبر را دارد اما می توان آن را برای نسل های بعدی به مرور تغییر داد و اختیار آن در دست انسان است.

در تربیت رفتار انسان وراثت، محیط و جغرافیا تشکیل چهارچوب قوانین زندگی و کیفیت آن را تایین می کند، اما بدلیل وجود اختیار در انسان با برنامه ریزی بر روی سه عامل رفتاری می توان این عوامل را به مرور تغییر داد و به طبع تغییرشان رفتار انسان و جامعه هم، دستخوش تغییر می شود.

روش تحقیق

نوع تحقیق در این نوشتار، توصیفی- تحلیلی بوده و نیز از روش شناسی استنباطی جهت نیل به اهداف تحقیق استفاده شده است گردآوری اطلاعات نیز بر مبنای روش کتابخانه ای و اینترنتی، با تکیه بر شواهد تاریخی موجود صورت پذیرفته است.

وراثت

وراثت شامل تمام عواملی می شود که در وقت انعقاد نطفه فرد حضور دارند و بلا فاصله پس از انعقاد نطفه فرد روی او اثر می گذارد. کروموزومها و ژنهاییکه از طریق سلولهای جنسی بطفل منتقل می شود همان میراثی است که والدین نیز در موقع شروع زندگی (انعقاد نطفه) از پدر و مادر خویش به ارث کسب کرده اند و به اولاد خود منتقل می نمایند (شریعتمداری، 1387). ژنها ذرات ریزی هستند که در کروموزومها قرار دارند و ساختمان داخلی آنها را تشکیل می دهند. و بدون اینکه خود تغییر کنند در جریان رشد تاثیر می گذارند. خصوصیات ارثی حتی ساده ترین آنها تحت تاثیر ترکیبات ژنهای مختلف قرار دارند. عامل ارثی ژنها هستند و همین ژنها باعث خصوصیات معینی از نسلی به نسل دیگر می شوند (همان). بطور کلی در رابطه با عوامل شکل دهنده شخصیت و خصوصیات رفتاری دیدگاه های متفاوتی وجود دارد، اما عده ای فقط به ساختار ژنتیکی افراد توجه دارند (جبرگرایی ژنتیکی)، از این میان طرفداران این فرضیه بروز بسیاری از رفتارها، حتی سرنوشت انسان را فقط به ژن نسبت می دهند ولی برخلاف چنین نگرش هایی عامل فوق به تنهایی نمی تواند در شکل گیری خصوصیات رفتاری افراد موثر باشد و علت تامه نبوده بلکه به نحو اقتضا تاثیر گذار است. با وجودی که تعدادی از ژنهای رفتاری همچون ژن موثر در ایجاد اضطراب کشف شده ولی رفتار آدمی معادل با ژنهای او نیست و نمی توان گفت چون فلان شخص دارای ژن رفتاری X است، لزوما رفتار X از او سر خواهد زد (بصیری، گوهری، 1392). محیط می تواند در تکوین هوش موثر باشد، اما سهم اساسی و ریشه ای را وراثت دارد. وراثت اثر تائین کننده و اساسی در تکوین فردیت آدمی دارد. هوش انسان هم یکی از ویژگی هایی است که به وسیله ی وراثت و عوامل ارثی تعیین می شود. هرگاه کودکان را از زمان نوزادی از والدین خود جدا کنیم و در خانواده های دیگر پرورش دهیم، هوش آنها به مادران حقیقی آنها نزدیکتر است تا مادر خوانده ها. تاثیر پذیری از محیط، بستگی به هوش کودک نیز دارد. هرچه هوش کودک بیشتر باشد، میزان تاثیر پذیری و شکل گیری از سوی محیط و فضای زندگی بیشتر است (کاظمی، 1374). در طول سالهای متمادی روانشناسان به تحقیق در مورد تاثیرات عوامل ژنی و محیطی بر افراد گوناگون پرداخته اند، این تحقیقات در اواخر قرن نوزدهم با تحقیقات « مندل » بر روی نخود فرنگی آغاز شد که نشان می داد بسیاری از ویژگی های موجودات زنده از طریق ارث به نسل های بعد منتقل می شود. به تدریج دانشمندان علم ژنتیک دریافتند که بیشتر صفات انسانی از طریق ژنهای گوناگون به او ارث رسیده است (رادمنش، نوری، گلشن، 1387). بر اساس علم ژنتیک نیمی از ویژگی های وراثتی از طریق پدر و نیمی از طریق مادر به فرزند انتقال می یابد بنابراین، منظور از وراثت، انتقال ویژگی های پدر و مادر به فرزند از طریق لقاح می باشد (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی). بروز خصائص جرمی ارثی در مورد بچه های محبوسین و به طور خاص محکومین معتاد (حرفه) و مقایسه این بچه ها با پسرخواندگان آنان نیز نتیجه اثر توارث را به خوبی نشان می دهد که با مطالعه 159 نفر از محکومین زندانی (زندان strare binq) پرداخته است و بدین نتیجه رسیده که 47 درصد از فرزندان پسر بالاتر از 18 سال این مجرمین ایزن مرتکب جرم گردیده و محکومیت جزائی یافته اند که از این عده 19 درصدشان مرتکب تکرار جرم (مجرم معتاد) گردیده اند، و اما فرزند خواندگان آنان با وجود اینکه در محیط مساوی با فرزندان واقعی مجرمین یعنی در دامان همان مادران (زن های سابق محکومین که پس از جدایی از محبوسین شوهر اختیار و دارای فرزند گردیده) تربیت و پرورش یافته اند فقط 20 درصد بعدها محکومیت یافته اند که از بین آنها 4 درصد مرتکبین تکرار جرم بوده اند (شهیدی، 1338).

محیط

در مورد نژادها، مطالعاتی به عمل آمده است که بسیاری از اختلافات هوش میان نژادها مربوط به محیط و وضع تربیتی آنهاست. و عامل نژادی به تنهایی سبب برتر بودن یا پایین بودن سطح هوش نیست (شریعتمداری، 1387). بروز و پیدایش صفات، مربوط به اوضاع و احوال یا شرایط محیط است. برای مثال: اگر فردی زمینه ارثی لازم را برای نبوغ یا هوش زیاد داشته

باشد ولی محیط نامساعد مانع بروز این استعداد گردد زمینه ارثی این فرد به فرزند او منتقل می شود و اگر محیط زندگی فرزند مساعد باشد نبوغ او ظاهر می گردد. از جمله عواملی که در محیط موجود است و روی رفتار فرد اثر می گذارد. می توان اشاره کرد به: ۱- خانواده: موقعیت فرد در خانواده، ارتباط او با بزرگسالان خانواده، وقایعی که در خانه اتفاق می افتد و طرز تربیت و معلومات اعضاء خانواده همه روی رفتار فرد تاثیر می گذارد. ۲- همسایه ۳- زمین و وسایل بازی ۴- شغل و نوع کار والدین ۵- ارتباط و همبستگی فرد با گروه همسن و همبازی خود، و... (همان). در دو قلوهای یک نطفه هرگاه یکی از آنان مرتکب جرمی گردد دوقلوی دیگر نیز به تحقیق مرتکب جرم و یا اگر اوضاع و احوال محیط زندگی او اجازه ارتکاب جرم ندهد لاقط دارای احساسات ضد اجتماع خواهد بود و بنابراین از لحاظ احساسات ضد اجتماعی این دوقلوها از هرجهت با یکدیگر منطبق می باشند در نهایت شرایط مساعد ممکن است یکی را مجرم و دیگری را متمایل به ارتکاب آن نماید؛ گرچه گزینه ارثی جرمی دو نفر از هر جهت متحد باشد محیط مساعد برای یکی از آنان موجب وقوع جرم برای آن شخص گردیده و نفر دیگر به علت نا مساعد بودن محیط، خطایی مرتکب نمی گردد. معمولا این دو نفر دارای تمایلات جرمی متعددی بوده و فقط محیط مساعد بر آن وقوع جرم را تسریع و یا مانع ایجاد آن می گردد (شهیدی، ۱۳۳۸). بر اساس تحقیق دانشمندان، هوش جنبه ارثی دارد اما محیط در شکوفا کردن هوش موثر است. اصول روانشناسی امروزه روشن ساخته است که در ۴-۵ سال اول دوران کودکی اتفاقات ممکن است روی زندگی و اعصاب کودک اثر کند که بعدها به هیچ وجه به خاطر نیاید. اگر تجربیات سالهای اول زندگی کودک را به خاطر آوریم بخوبی واضح می شود که بسیاری از خصائل او به علت اثرات محیط نخستین زندگیش بوده و به هیچ وجه ربطی به ارث والدینش ندارد و البته تجسّسات جدید ما را به این حقیقت رهنمون میکنند که عده ی زیادی از ناراحتی های روانی به علت اختلالاتی است که به صورت ارث به کودکان رسیده است. اجتماع احساسات روانی ما با تمایلاتمان یعنی آن عناصری که موجودیت ما را تشکیل می دهد و طبیعت مخصوص شخص عبارت از انرژی است که این شخصیت روی رفتارش دارد، بر این پایه شخصی طبیعتا حساس است و دیگری خونسرد، شخصی سرشت تنهاجمی دارد و دیگری مودب است. تمایلات در اثر تماس با محیط پرورش می یابند؛ مثلا تمایل به محبت یا خباثت در اثر پرورش محیط است و عقده ها نیز تمایلات بد ما هستند گاهی عقده های روانی دوران کودکی، بدی هایی را در وجود فرد متمکن می کند که دیگر به صورت صفتی جدا نشدنی در او در می آید و چه بسا این خصلت بد را تا پایان عمر با خود خواهد داشت (رادمنش و همکاران، ۱۳۸۷). بحث و مجادله درباره هوش از اینجا ناشی می شود که ما غالبا این برچسب را در دو معنای مشخص به کار می بریم: یکی برای اشاره به استعداد بالقوه مادر زادی مغز، دیگری اینکه وقتی کسی را با هوش می نامیم منظور ما این است که او در درک مطلب و فهم روابط و همچنین در استدلال و کاربرد افکار مجرد تواناست. «هب» روانشناس معروف کانادایی، در سال ۱۹۴۹ با تفکیک این دو مفهوم آنها را روشن ساخت و آنها را هوش «الف» و هوش «ب» نامید. ارتباط هوش «الف» با هوش «ب» به طور کامل نظیر ارتباط دانه با گیاه است. برای بدست آوردن گیاه سالم شخص به دانه یا تخم خوب نیاز دارد، ولی میزان رشد گیاه بستگی کامل به میزان غذا، حرارت، نور، آب و کودی دارد که به آن می رسد. هوش انسان نیز به همین ترتیب نیازمند تغذیه مناسب روانشناختی است و ممکن است عوامل ناسازگار محیط جلو رشد آن را بگیرد (پایگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). ژنتیک بستر مناسب و اولیه برای فعالیت های زیستی و رفتاری روانی هر انسانی است و لیکن تردیدی نیز در این نیست که عوامل محیطی نقشی اساسی در ابراز و یا خاموش شدن ژن ها دارند. همچنین آموزش و پرورش و تربیت خانوادگی و تغذیه نقش اساسی در ابراز ژنها دارد. بنابر این ما قادریم رفتار خود را کنترل و هدایت کنیم (کرمی، ۱۳۹۴). و می توان گفت، محیط تاثیر بسزایی در شکوفایی استعدادهای انسان و شکل گیری شخصیت او دارد. تاثیر جامعه بر افراد از طریق تاثیر بر استعدادهای ذاتی آن هاست و به همین دلیل، جامعه می تواند زمینه ساز رشد و ترقی یا فساد و تباهی انسان باشد. هر حکومتی برای اداره جامعه، روشی خاص مناسب با روحیات و ویژگی های مردم اتخاذ می نماید. بنابراین تغییرات برنامه های آن نیز منجر به تغییر و تحولات انسانی می شود. به عبارت دیگر حکومت قادر است با تغییر در برنامه های خویش، جامعه ای منطبق بر معیارهای خویش تربیت نماید. اختیارات فرد در جامعه، تحت تاثیر نظام

حاکم بر آن، در دایره مشخص قرار می گیرد و به این صورت زمینه های حرکت الهی یا غیر الهی فرد مهیا می گردد. البته چه بسا افرادی در آن جامعه زندگی کنند در حالی که از آن شرایط تاثیر نگیرند (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی). علاوه بر حکومت تاثیر محیط اجتماعی، دوست و همنشین، رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی، عامل زمان هم در ساخت شخصیت و تربیت رفتار او نقش دارد؛ انسان از نظر محیط اجتماعی تنها تحت تاثیر زمان حال نیست؛ بلکه زمان گذشته و وقایع و حوادثی که در گذشته رخ داده است نیز در ساختن او تاثیر به سزایی دارد، به طور کلی میان گذشته و آینده هر موجودی رابطه قطعی و مسلم برقرار است. گذشته و آینده مانند دو نقطه جدا از یکدیگر نیستند بلکه مانند دو قطعه از یک جریان مداومند؛ گذشته نطفه و هسته آینده است (پایگاه حوزه، ۱۳۸۶).

تعامل محیط و وراثت در شخصیت رفتار

ایرانی ها طی ۳۰ سال گذشته، ۸ تا ۱۰ سانتی متر و ژاپنی ها طی سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۷ به طور متوسط ۸ سانتی متر قدشان بلندتر شده است، که این وضعیت متاثر از سه عامل تغذیه، بهداشت و ورزش است (مجله اینترنتی برترینها، ۱۳۹۰). رفتار فرد نتیجه تاثیر متقابل عوامل ارثی و محیط جغرافیایی با محیط طبیعی همراه با محیط اجتماعی و فرهنگی روی یکدیگر است (شریعتمداری، ۱۳۸۷). اکثر ژنها تا حدودی از محیط تاثیر میگیرند خصوصیات رفتاری انسان آمیخته ای از تاثیرات وراثت و محیط است (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲). وراثت و محیط هر دو مسئول خصایص کلیه افراد هستند. و رفتار، هوش، رشد، شخصیت و ویژگی های روانی ما حاصل کنش متقابل عوامل ارثی و محیطی است (رادمنش و همکاران، ۱۳۸۷). اگر یک قسمت از خصوصیات شخصیت مبتنی بر عوامل ژنتیکی باشد، مسلما قسمت دیگر آن بایستی بر اساس فاکتورهای محیطی حاصل شده باشد، تا آنجا که رفتار انسان نشان می دهد، ژنها به تنهایی نمی توانند کاری انجام دهند. ظهور آنها همیشه به هماهنگی با محیط بستگی دارد (سایت علمی دانشجویان ایران).

سخن دانشمندان و بزرگان ایران و اسلام در نقش عوامل تربیت رفتار

سعدی قابلیت آدمی را حاصل کنش متقابل محیط و وراثت می داند (رادمنش و همکاران، ۱۳۸۷). سعدی بر این باور است که اگر کسی هوش و استعداد ذاتی داشته باشد ولی محیط و موقعیت مناسب برای پرورش استعداد او نباشد، این قابلیت تباه خواهد شد، (همان). سعدی نیز پیشرفت خود را مرهون تربیت دوران کودکی می داند (همان). عوامل موثر در تربیت فرزند از نظر امام خمینی (ره)؛ ۱- عوامل تاثیر گذار قبل از تولد الف) نوع خوراک پدر و مادر، زیرا که نطفه از عصاره مواد غذایی هضم شده در دستگاه گوارش پدید می آید. ب) پاکي روح پدر و مادر، که از عوامل تاثیر گذار بر نطفه است. ج) حلال بودن غذای پدر و مادر، که از جمله عوامل تاثیر گذار در روحیه فرزند قبل از تولد می داند. ۲- عوامل تاثیر گذار پس از تولد الف) شیر خواری، چگونگی شیردادن و شیر خوراندن دخالت بسیار موثری در کودک دارد. ب) محیط خانواده، امام خمینی (ره) صفحه وجود کودک را صفحه ای صاف و آماده برای تربیت دانسته و فرمودند از همان کودکی انسان باید تحت تربیت قرار بگیرد. ج) مدرسه، امام خمینی (ره) پس از محیط خانواده مدرسه را از عوامل تاثیر گذار در تربیت فرزندان دانسته اند. و در مورد جایگاه معلم در تربیت جامعه فرمودند؛ معلم اگر خوب باشد، مملکت خوب می شود، معلم اگر منحرف باشد مملکت خراب می شود، هم از لحاظ معنویات و هم از لحاظ مادیات (پایگاه حوزه، ۱۳۸۴). پیامبر (ص)؛ خصوصیات اخلاق والدین به طور پنهانی (و موروثی) به فرزندان منتقل می شود. پیامبر (ص) در جای دیگر می فرماید؛ برای داشتن فرزند خوب همسر مناسب انتخاب کنید که عرق (وراثت) پنهانی تاثیر دارد (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲). شهید مطهری (از اندیشمندان بزرگ اسلامی ایران) رابطه ی اختیار، وراثت، و تربیت را اینگونه بیان نموده است؛ بشر مختار و آزاد آفریده شده، یعنی به او عقل و فکر و اراده داده شده است، بشر در کارهای ارادی خود مانند یک سنگ نیست که او را از بالا به پایین رها کرده باشند و تحت تاثیر عامل جاذبه زمین خواه نا خواه به طرف زمین سقوط کنند، و مانند گیاه نیست که به صورت تنها یک راه محدود در جلوی او هست. و

همچنین مانند حیوان نیست که به حکم غریزه کارهایی انجام دهد. بشر همیشه خود را در سر چهار راه هایی می بیند و هیچ گونه اجباری ندارد که فقط یکی از آنها را انتخاب کند، انتخاب یکی از آنها به نظر، فکر، اراده و مشیت شخصی او مربوط است. اینجاست که پای شخصیت و صفات اخلاقی و روحی و سوابق تربیتی و موروثی و میزان عقل و دور اندیشی بشر به میان می آید و معلوم می شود که آینده ی سعادت بخش یا شقاوت بار هر کس تا چه اندازه مربوط است به شخصیت و صفات روحی و ملکات اخلاقی و قدرت عقلی و علمی او، و بالاخره به راهی که برای خود انتخاب می کند (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲). متخصصان ژنتیک رفتاری چنین پاسخ داده اند که خصوصیات اخلاقی مانند سست اراده بودن یا کم جرئت بودن به طور کامل تحت کنترل ژنها قرار ندارند و با تربیت، تمرین، پرورش و خواست خود فرد قابل تغییر و بهبود است و در نهایت هر کس مسئول اعمال خویش است (همان). اسلام عوامل موثر در تربیت انسان را فقط به دو عامل وراثت و محیط محدود نمی کند، و به تاثیر دو عامل دیگر که عبارتند از اراده و ماوراء طبیعت اعتقاد دارد (موسسه فرهنگی بشارت). از نظر اسلام، اراده نقش عمده ای را در تربیت انسان ایفا می کند و اساس مباحث «خودسازی و اخلاق»، اراده است، چرا که به کمک اراده است که انسان به اصلاح نقش خویش اقدام می کند و اگر جهت گیری او فقط مبتنی بر دو عامل وراثت و محیط بود، خودسازی مفهومی نداشت (مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی، ۱۳۹۰). همچنین بنابر اعتقاد اسلامی، «عوامل ماوراء الطبیعه» در زندگی انسان نقش موثری دارند. به عنوان مثال اعتقاد به ابلیس و تاثیرات نا مطلوب او در تربیت انسان (همان).

جغرافیا

مکتب جبر محیطی به برتری قومی، سلسله مراتب قومی و استعمار، زمینه های مساعدی را فراهم ساخت و استعمار آمریکا و اروپا را در مناطق مداری و غیر مداری سبب گردید. در جبر محیطی، شرایط آب و هوایی و سایر عوامل طبیعی، با همه ی زوایای زندگی مردم و جامعه ها نظیر میزان نیکبختی، فرهنگ، ویژگی های ناحیه ای، سازمان سیاسی، ظهور و سقوط تمدنها پیوند داده شد. اصل موضوع قبولاندن این فکر به افکار عمومی جهان آن زمان بود که مردم بخش های معتدل اروپا، مردمی پر انرژی، جدی، متفکر، خوشبخت و آینده نگر می باشند. از این رو، سرنوشت همه ی جوامع انسانی را می توان با نقشه های هم دما و میزان رطوبت تعیین کرد (شکوئی، ۱۳۸۶). در جبر محیطی - جبر جغرافیایی، آزادی و اختیار انسان، به وسیله قوانین طبیعی، اجتماعی و اقتصادی سلب و یا محدود می شود (همان). مکتب امکان گرایی: اساس مکتب امکان گرایی در روابط انسان و طبیعت بر این محور فکری دور می زند که طبیعت، انسان را در مسیر ویژه ای حرکت نمی دهد، بلکه امکاناتی چند در اختیار انسان قرار می دهد و انسان در انتخاب آنها آزاد است. در واقع موضوع مهم در مکتب امکان گرایی، همان انتخاب آزاد انسان است (همان). عوامل طبیعی و مادی، موقعیت و وضعیت اقلیمی محل تولد و نشو و نما ی کودک نیز تاثیر مهمی در پیدایش نژادهای گوناگون و ساختارهای شخصیت متفاوت در نوع بشر دارد (موسسه فرهنگی بشارت). خشکی عامل تقویت حافظه و تخیل است و این ویژگی زمینه ی تقویت شخصیت درون گرا را فراهم می آورد. به عکس رطوبت با انتقال ویژگی های آب، یعنی شکل پذیری و دگرگونی گرایی، زمینه ساز تقویت برونگرایی شخصیت می باشد (نقره کار، حمزه نژاد، دهقانی تفتی، ۱۳۸۹). رنگ، هندسه و نشانه های آرام و عمیق در اقلیم های گرم و خشک و رنگ، هندسه و نشانه های تند و جذاب در اقلیم های مرطوب وجود دارد. بطور مثال، نمونه هایی از هیجان گرایی تزئینات و هندسه در کشور های شرقی نظیر هند و پاکستان، در مقابل آرامش گرایی مناطق بیابانی مرکزی ایران و عربستان قابل توجه است. در مناطق (مرطوب) شمال ایران، رنگ لباس تنوع و هیجان دارد، و پوشش اقوام ساکن در مناطق (خشک) مرکزی و جنوب ایران بیشتر به رنگ هایی ساده و روشن نزدیک است (همان). محیط زیست افزون بر جسم، بر فکر و اندیشه و اعمال و رفتار انسان دارای تاثیر شگرف است (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۵). انسان موجودی تاثیر پذیر است؛ محیط اطراف بر او اثر می گذارد و شخصیت او در محیط زندگی او شکل می یابد. (همان). دکتر mathew ehite از مرکز محیط زیست و سلامت انسان اروپا با انجام پژوهشی دو ساله بر دو هزار و ۷۵۰

شخص هشت تا ۸۰ ساله در یافتند که فضاهای کنار رودخانه با احساس مثبت لذت، آرامش و رفع خستگی مرتبط است (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۲). محیط جغرافیایی بر شکل گیری منشی در انسان ها تاثیر می گذاشته است اگرچه امروزه عقل محض، ارتباطات و تکنولوژی، از اثرات جغرافیا کمی کاسته است و سطح اندیشه ی اندیشمندان جهان را به هم نزدیک کرده است اما هنوز قدرتی تاثیر گذار در سبک و کیفیت زندگی محسوب می شود.

سرما آدم را سخت کوش و فعال می کند، محیط نامساعد آدم را جسور و عمل گرا بار می آورد. گرما و رطوبت سستی و کم توجهی می آورد، در آب و هوای معتدل، اغلب آدم ها معتدل با دیدگاه کل نگر به جهان هستی اند. هوای ابری غم می آورد، در یک تحقیق معلوم شد افسردگی در فصل زمستان یکی از بیماری های شایع در میان ساکنان شمال اروپاست. در پایان این تحقیق قرار گرفتن روزی حداقل ۲ ساعت در زیر تابش نور مصنوعی را روش موثری برای درمان این افراد پیشنهاد می کند. نوسان جوی و اختلال ذهنی، محققان اوکراینی ثابت کرده اند که نوسانات جوی فشار هوا به ایجاد اختلال در فعالیت های ذهنی منجر می شود که نتیجه آن کاهش تمرکز و عملکرد حافظه کوتاه مدت است. باد تحریک پذیرمان می کند، وزش بادهای پر سرو صدا سبب افزایش خستگی و تحریک پذیری افراد می شود. اغلب از بادهای موسمی به عنوان بادهای ناخوشایند یاد می شود چرا که وزش این بادهای معمولاً سبب ایجاد اضطراب، فشارهای روانی، افسردگی و بی خوابی شبانه می شود. (اخوان بهبهانی، ۲۰۱۰). عوامل طبیعی و مادی، موقعیت و وضعیت اقلیمی محل تولد نشو و نمای کودک نیز تاثیر مهمی در پیدایش نژادهای گوناگون و ساختارهای شخصیت متفاوت در نوع بشر دارد. بر این اساس پژوهشگران عامل جغرافیایی از قبیل تاثیر آب و هوا و اوضاع جغرافیایی را در ایجاد تعادل روحی و فکری افراد موثر دانسته اند، لذا می توان رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را متأثر از محیط طبیعی دانست (مرکز ملی پاسخگویی سوالات دینی، ۱۳۹۰). در همه مراتب، طبیعت امکاناتی عرضه می کند؛ انسان است که در میان این امکانات گزینش می کند، جغرافیا پارچه اصلی را تهیه و انسان نقشه آن را گلدوزی می کند. آدم های کوهستان دارای فرهنگ محدود هستند چون افق و دریا را نمی بینند و به خود متکی و محدود می شوند، اما انسانهای نواحی دشت و نزدیک دریا، متکی به خود نیستند و می خواهند ببینند که دنیا چه دستاوردهایی برای آنان آورده است. در صحرا نیز انسان قدری بیشتر از کوهستان محدود است. با توجه به نظریه های کهن تاثیر اقلیم، امروزه می توان در مورد نا برابری که در توسعه ملتهای مختلف بهترین تبیین را به دست آورد. با کنار هم قرار دادن نقشه سطوح توسعه اجتماعی- اقتصادی و نقشه مناطق بزرگ اقلیمی - گیاهی، می توان عقب ماندگی حد اکثر را در مناطق شمالی و جنوبی و منطقه استوا و نیز در مناطق صحراهای نیمه حاره به چشم دید. توسعه حداکثر با مناطق معتدل منطبق است (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). محیط جغرافیایی خواه ناخواه یک سلسله آثار قهری بر روی اندام و روحیه انسان می گذارد. منطقه های سردسیر و منطقه های گرمسیر و منطقه های معتدل، همچنین منطقه کوهستانی یا منطقه صحرائی و ... هر کدام نوعی روحیه و اخلاق را ایجاد می کند (پایگاه حوزه، ۱۳۸۶). اقلیم گرم و خشک، رهیافتی تاریخی را القا می کند و اقلیم سرد، رهیافتی آینده نگر و اقلیم معتدل، رهیافتی این زمانی و کنونی را القا می کند (پایگاه خبری تحلیلی فرارو، ۱۳۹۴). جغرافیا و محیط زیست نقشی به یاد ماندنی را در استقرار و موفقیت هر تمدن بازی کرده است. آب و هوا و میزان بارش به طور مستقیم به موفقیت یا شکست در رشد محصول و در نتیجه به مقدار زمان صرف شده مربوط می شود. تمدن هایی که قادر به صرف زمان کمتر در کشاورزی و امرار معاش اند قادر به تغییر مسیر خود با انرژی ذخیره مانده خود نسبت به استقرار هنر، فرهنگ، مذهب و علم است (123helpme.com). انسان موجودی است که تحت تاثیر شدید محیط و از جمله آب و هوا می باشد (نظری، ۱۳۸۳). با این وجود انسان در هر محیط که چشم به جهان گشوده باشد به نوعی با آن سازگاری پیدا می کند. زندگی در محیط های مختلف شرایط و ویژگی های خاص خود را دارد. بعضی از محیط های سرد و یخ بندان به میزان زیادی توان فعالیت را از انسان سلب می کنند. انسان در چنین محیطی از ادامه فعالیت باز می ماند و کاهش چشمگیری در بازده فعالیت هایش بوجود می آید. محیط های گرم و مرطوب به گونه ی دیگری در محدود کردن انسانها دخالت دارند. گرمای زیاد موجب

تعریق و تعرق زیاد بدن می شود، آب آن را به مقدار زیادی تبخیر می کند و نوعی سستی و رخوت در او پدید می آورد. بخش زیادی از وقت او به خواب اختصاص می یابد. در بین آب و هواهای گوناگون کره زمین فقط نوع معتدل آن است که محدودیت قابل ملاحظه ای از نظر انجام امور و ادامه فعالیت انسان ایجاد نمی کند (نظری، ۱۳۸۳).

سخن دانشمندان و بزرگان ایران و اسلام در نقش عوامل جغرافیایی در رفتار

فارابی؛ دانشمند ایرانی در فلسفه مشاء اختلاف اخلاق ها را در نتیجه ی اختلاف آب و هوا می داند و می گوید مردم در هر منطقه که زندگی می کنند تحت تاثیر و وضع آب و هوا، زمین، عوامل جغرافیایی و اوضاع اقلیمی آن می باشند. ابن سینا؛ در مقام پزشک فیلسوف از تاثیرات متقابل نفس (و حالات روانی و اخلاقی) و بدن آگاهی داشت و علاوه بر تاثیرات نفس بر بدن و از تاثیرات بدن بر نفس به طور خاص مزاجها که از ویژگی های جسم می باشد صحبت به میان آورده است. وی در ارتباط حواس ظاهر را با اشیاء در شکل گیری برخی تصورات و عادات دخیل می دانست، وی به نقل از جالینوس در تاثیر جسم بر نفس چنین می نویسد؛ « گرم مزاجی مغز، در هم شدن عقل و پراکنده گویی (هذیان) را به بار می آورد که این حالت سبک سری و شتاب در تدبیر و ناپایداری در تصمیم را به دنبال دارد. سرد مزاجی مغز، کند فهمی و کم جنبی را به وجود می آورد و این حالت دیر فهمی و بی فکری و تنبلی را به بار می آورد. خشک مزاجی سبب بی خوابی می شود. و مردمان بی خواب را باید خشک مزاج دانست». ابن سینا انسان های با مزاج معتدل را از حیث کنش های حسی و جنبشی نیرومند و کردارشان را معتدل و مرتبت می داند (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۹). ابن سینا اعتدال مزاج انسان را بسته به نژاد و آب و هوای موطن او می داند. ابن سینا درباره ی ارتباط مزاج انسان و مکان چنین می گوید؛ به نظر می رسد هر یک از اصناف ساکنان زمین دارای مزاج خاصی هستند موافق با آب و هوای اقلیم آن و در هر مورد مزاج دارای جنبه ی افراط و تفریط می گردد (همان). فیلسوف و پزشک مشهور ابن سینا، پستی و بلندی های زمین را در چگونگی سامان یابی تن و روان آدمی موثر می دانست. وی کوهستانی بودن منطقه سکونت انسان را سبب چالاکي و دلیری دانسته و متقابلا بر این باور بود که پستی و خفگی منطقه سکونت، افسردگی و بیماری را در پی دارد. وی در این باره می نویسد؛ ساکنان مناطق مرتفع و کوهستانی، نیرومند، قوی بنیه، دلیر و چالاک اند و کسانی که در مناطق خوش آب و هوا ساکن اند از نشاط و شادابی و سلامتی خاص برخوردارند. مردمان سرزمین های مرتفع، تندرست، نیرومند، چست و چالاک و دارای عمر زیاد هستند، و ساکنان مناطق سنگلاخی دارای تن سخت و درهم فشرده و مفاصل محکم اند، قوی بنیه و در جنگ ها دلیرند، در یاد گرفتن حرفه ها زیرک و اغلب کم خواب و بد اخلاق هستند.» ساکنان مناطق گرمسیر، در مقایسه با مناطق سردسیر، دارای تفاوت های بسیاری در جسم و جان و تن و روان هستند؛ آب و هوای مناطق مسکونی آنان نه تنها به رنگ پوست و زیبایی تاثیر می گذارد بلکه حتی خلق و خوی آنان را متاثر می شود. ابن سینا معتقد بود که ساکنان مناطق سرد سیر، نیرومند و از دل و جرات بیشتری برخوردارند و اگر منطقه مسکونی آنان مرطوب نیز محسوب شود، مردمانش چاق و تروتازه اند. وی همچنین مردم مناطق مرطوب را به زیبایی توصیف کرده و در عین حال بر این نکته توجه می دهد که آنان در ورزش زود خسته می شوند. همچنین او متذکر می شود که روحیه و حالات و رفتار مردم مناطق خشک کاملا برعکس حالات و رفتار مردم مناطق مرطوب است. ابن سینا به طور کلی در معرفی هوای خوب و بد چنین می گوید؛ هوایی که بعد از غروب خورشید زود سرد شود و هنگام طلوع خورشید زود گرم شود، هوای لطیف است و در حالت عکس مخالف آن، بدترین هوا آن است که دل را افسرده و نفس را تنگی بخشد (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۵). ابن خلدون؛ مورخ مشهور در مقدمه خویش تاکید فراوانی بر آب و هوا و نقش آن در امر عمران و آبادانی نموده است، وی معتقد است که ساکنان مناطق معتدل (که از حرارت سوزان جنوب و سرمای شمال کره زمین در امانند) از جهت خلق و خوی و صورت و سیرت در اعتدال قرار دارند و برای ایجاد تمدن و عمران، معاش و اقتصاد و هنر و دانش مناسب ترند. و متذکر می شود که دوری از اعتدال در آب و هوا، موجب دوری از دانش و دین و نیز دوری از رفتار های انسانی می شود. ابن خلدون؛ در مورد تاثیر محیط جغرافیایی بر انسان می گوید؛ تردیدی نیست که محیط طبیعی در انسان موثر است و از نظر اخلاق

حالات خاص را در فرد ایجاد می نماید. غالباً جوانمردی و سخاوت و شجاعت در صحرا نشینان، کسالت و سستی در محیط های گرم، علاقه به استقلال و بزرگواری، در کوه نشینان رضا و قناعت در محیط های سرد سیر بیشتر دیده می شود (موسسه فرهنگی بشارت). منتسکیو؛ در قرن هجدهم به تفضیل از آثار شرایط جغرافیایی سخن گفت. منتسکیو عوامل جغرافیایی مانند، اقلیم، منابع طبیعی، کوهستانی بودن یا جزیره نشینی و صحرا نشینی را بر خلق و خوی اقوام موثر می داند. از نظر منتسکیو انسانی که در اقلیم سرد سیر پرورش می یابد دارای قوت بیشتر، قلبی قوی تر، اعتماد به نفس، گذشت، عدم انتقام، صداقت از حیله و نیرنگ است همچنین وی می نویسد در کشورهای شمالی ملتهایی خواهید یافت که کمتر معایب دارند و به اندازه کافی صداقت و صراحت لهجه و تقوی در آنها یافت می شود، ولی به کشورهای گرمسیری وقتی نزدیک می شوید گمان خواهید کرد که از سرچشمه اخلاق دور می شوید. عواطف شدید تولید جنایات بزرگ می کند هر کس می خواهد مزایای تسکین امیال و عواطف را از دست دیگری برآید و به خود تخصیص دهد. وی در همان اثر معروفش می نویسد؛ آب و هوای گرم، کم و بیش موجب سستی می شود و برعکس در آب و هوای سرد اثری است که سکنه آن نقاط را کم و بیش نیرومند می نماید و می توانند زحمات سخت و طولانی را تحمل کنند، این موضوع نه تنها با مقایسه ملل و کشورهای مختلف ثابت می شود، بلکه هرگاه در یک کشور نیز سکنه نقاط گرمسیر و سردسیر آن را با هم مقایسه نمائید، این حقیقت به دست می آید. مثلاً جرئت و فعالیت ملل شمالی چین زیادتر از فعالیت ملل جنوبی آن کشور است (اسلام پور، ۱۳۸۹). ارسطو؛ بر این باور بود که انسان و محیط زیست دو چیز جدا ناپذیر از یکدیگرند، به نظر وی، انسان هم از عوامل جغرافیایی (محیط طبیعی) و هم از نهاد های سیاسی، تاثیر می پذیرد (پایگاه اطلاع رسانی حوزه پاسدار اسلام، ۱۳۸۵). ارسطو نیز بر این مسئله تاکید دارد که مردم اروپا دلیرند، ولی کم هوش، لیکن مردم آسیا هوشمندند. نکته شایان ذکر این که، محیط جغرافیایی حتی بر سیاست اجتماع، و اقتصاد نیز تاثیر می گذارد، به گونه ای عده ای از دانشمندان، عقب ماندگی و یا پیشرفت جوامع بشری را مربوط به موقعیت جغرافیایی و اوضاع اقلیمی آن می دانند (همان). علی (ع)؛ که توسط سازمان یونسکو به عنوان فیلسوف بشریت نامیده شده (پایگاه خبری تحلیلی شهدای ایران، ۱۳۹۴). در مذمت اهالی بصره در عراق می فرماید؛ اخلاق شما پست، پیمانهای شما سست، سیره و روشتان دو رویی و آب شهرتان شور (بد طعم) است. و در بیانی دیگر فرمودند؛ خاک سرزمین شما بد بو ترین خاک هاست، از همه جا به آب (سطح دریا) نزدیک تر و از آسمان دور تر است (منطقه پست و پایین) که ۹ دهم بدیها در محیط شماست (پایگاه اطلاع رسانی حوزه پاسدار اسلام، ۱۳۸۵).

برنامه ریزی در جغرافیای شهری

امروزه ۵۴ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می کنند و انتظار می رود این میزان تا سال ۲۰۵۰ به رقم ۶۶ درصد برسد (مرکز مطالعات سازمان ملل متحد- تهران). در حال حاضر جمعیت جهان هر سال حدود ۸۳ میلیون نفر اضافه می شود که برابر با جمعیت آلمان است (مشرق نیوز، ۱۳۹۴). بیکاری هم به لحاظ این که موجب فقر و مشکلات مالی و اقتصادی است به عنوان ریشه و علت بزهکاری مطرح است و هم به عنوان ایجاد کننده فرصت و موقعیت ارتکاب جرم مورد توجه مباحث مربوط به پیشگیری است. افزایش بی رویه جمعیت شهرها و کاهش نظارت می تواند از عوامل بروز جرم باشد. افزایش جمعیت بیشتر در کشورهای فقیر دیده می شود. از این رو در جهان بخصوص مناطق شهری با « انفجار جمعیت » روبرو ایم در چنین شرایطی جامعه به موازات گسترش و متراکم شدن، تسلط کمتری بر فرد دارد و در نتیجه، دیگر به خوبی گذشته قادر نیست گرایش های ضد اجتماعی را که پیدا می شوند مهار کند (موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران). نتایج پژوهشی محققان دانشگاه ژجیانگ چین، استفاده از دستگاه منابع آبی درون شهری تاثیر مثبتی را بر سلامت روحی و روانی شهر نشینان می گذارد که دائم با سرو صدا های شهری در ارتباط اند؛ به عبارت دیگر محرک های بصری نظیر نگاه کردن به جریان های آبی بر درک روانی محرک های صوتی تاثیر گذار است. (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۲). آلودگی هوا، ترافیک، شلوغی از عوامل استرس زای بیرونی هستند که سبب بروز استرس در فرد می شود و اگر این استرس ها ادامه پیدا کند، بصورت مزمن باعث ایجاد بیماریهای

روان تنی و یا تشدید سایر بیماری های روان شناختی می شود (اخوان بهبهانی، ۲۰۱۰). توسعه علم و فناوری و بهره برداری صحیح (از منابع طبیعی) نقش مهمی در بهبود وضعیت زندگی و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم خواهد داشت (کردوانی، ۱۳۸۲). درون گرایی در اقلیم های گرم و خشک و برون گرایی در اقلیم های مرطوب قرار دارد، کالبد معماری درون گرا اگرچه در درجه اول به دلیل نیاز اقلیمی، درون گرا شده است اما می توان به تدریج زمینه ساز ایجاد فرهنگ رفتاری و اخلاقی درون گرا باشد، به عکس شخصیت درونگرا علاقه به کالبد معماری درونگرا دارد و اگر در اقلیم برون گرا واقع باشد با ایجاد تعادلی، این نیازهای متضاد انسانی و محیطی را پاسخ می دهد (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۹). اقلیم های غیر مرطوب سرد و گرم به نوعی گریز از محیط، به تراکم و فشردگی کالبدی می انجامد. در مقابل در اقلیم مرطوب معماری با بسط در محیط، تلاش در بهره مندی بیشتر از طبیعت شکل می گیرد. این ویژگی در نسبت فضای باز و بسته در معماری و شهر و همچنین تغییر حد قلمرو و حریم نقش دارد (همان). بافت های شهری در بردارنده ی روح خلاق مردمی است که طی سالیان طولانی، آنها بر اقلیم، سنن، فرهنگ و نوع معیشت خود به وجود آورده اند (سلمانیان، گل کار، ۱۳۸۹). گسترش بی رویه و بی برنامه توسعه شهرها، افزایش فاصله محل کار و زندگی، افزایش تردهای شهری، عدم تشخیص نیازهای انسانی، آلودگی صوتی و بصری و هوا، فقدان مسکن مناسب و کیفی، ازدحام و بروز تعارضهای اجتماعی، از میان رفتن حس تعلق به محیط و سایر عوارض را می توان به عنوان شرایط و کیفیات نامناسب شهری دانست که با ایجاد فشارهای روانی در افراد اثرات سوئس را بر سلامت جسمی و روحی آنها می گذارد و موجب اختلال در عملکرد، در قلمرو اجتماعی، روانشناختی و جسمانی می گردد. این مسائل بر اهمیت پرداختن به موضوع کیفیت فضای زیست که بخشی از آن فضاهای ساخته ما بعنوان آثار معماری و فضاهای شهری می باشد را مشخص می سازد. نقد های انجام شده در باب فضاهای کسالت آور و جرم خیز در مجتمع های مسکونی و شهر های مدرن از جمله شهرک پروئیت ایگو در آمریکا که نهایتاً منهدم گردیدند را می توان سرآغازی بر لزوم توجه به نیازهای انسانی از محیط مطلوب دانست (امامقلی، آوازیان، علی زاده، اسلامی، ۱۳۹۱). از نظر کانتر مکان نمی تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود. مردم همیشه رفتارها و اعمال خود را با هر مکان خاص تطبیق می دهند و ماهیت آن مکان عامل مهمی در فهم عمل و تجربه آنها می شود. بر اساس مدل کانتر (۱۹۸۶)، مکان بخشی از فضای طبیعی یا انسان ساخت است که از نظر مفهومی یا مادی محدوده ای مشخص دارد و حاصل تعامل عوامل رفتاری، مفاهیم قابل دریافت توسط انسان و ویژگی های کالبدی محیط است (همان). نقش مهم نظریه متقابل در معماری و طراحی تشخیص این است که مردم در محیط به چه چیزهایی توجه می کنند و اهمیت می دهند زیرا معماری ارتقا دهنده کیفیت زندگی بر مبنای ادراک حسی است (امامقلی و همکاران، ۱۳۹۱). رابطه انسان – محیط رابطه ای دو سویه است. هر دو به نوعی برهم تاثیر گذارده و ازهم متاثر می شوند. الگوی رویدادهایی را که بر زندگی در بنا ها و شهرها غالب است، نمی توان از فضاهایی که در آن رخ می دهند، جدا کرد. انسان بسته به ارزشهای فرهنگی محیط خود، به برخی فضا ها، محرک ها و رویداد ها معنی می بخشد و متناسب با آن ها رفتار می کند (همان). نتایج پژوهشی نشان می دهد از سویی نیازهای انسانی نتیجه تاثیر رفتار بر فضا و محیط است و قابلیت محیط، زمینه ساز انجام رفتارهاست و از سویی دیگر ارتقای کیفیت محیطی و تاثیر مولفه های آن بر قلمرو ها و الگوهای رفتار با مفاهیم کیفی در ارتباط است (لطیفی، سجاذزاده، ۱۳۹۳). با توجه به عقیده نظریه پردازان درباره فضاهای عمومی به عنوان فضاهایی برای تعاملات انسانی، در میابیم که شهر به عنوان ظرفی برای انسان و فعالیت هایش محسوب می شود (همان). هر قدر فضا نسبت به استفاده های مطلوب و عمومی قابلیت و جذابیت بیشتری داشته باشد، نسبت به استفاده های نامطلوب یا ناهنجار محدود می گردد (همان). الگوهای رفتاری ناشی از فرهنگ، اعتقادات، عادات، محیط زندگی، قوانین حاکم بر جامعه و خصوصیات فردی است و هر کدام از این شاخه ها به تنهایی یا همراه سایر عوامل؛ رفتارهای متفاوت افراد را توجیه می کند. در حال الگوهای متفاوت رفتاری، محیط های خاص خود را برای بروز یا کنترل احتیاج دارند. مشاهده شده که احتمال بروز رفتاری خاص در یک قرارگاه رفتاری (یا همان فضای فعالیت) مشخص بیش از احتمال بروز رفتاری دیگر است. چنین احتمال رفتاری به طور مستقیم به درک ما از هویت مکان ارتباط پیدا می کند (لطیفی، سجاذزاده، ۱۳۹۳).

در دوره های مختلف تاریخی، در اقصی نقاط دنیا شهرهایی با «اهداف مختلف» احداث شده اند که آنها را می توان شهر های جدید نامید (زیاری، ۱۳۸۹). مفهوم شهر جدید به مثابه یک فرصت لیبرالیستی برای اعمال اصلاحات و ارائه شیوه ای بهتر برای زندگی شهری به وجود آمد. شهر های جدید پس از جنگ جهانی دوم الگویی برای کمک به حل مشکلات اجتماعی اقتصادی و محیطی شهرهای بزرگ بودند. این الگو، توزیع جمعیت و اشتغال را در کل فضای سرزمین ارائه داد. بدین ترتیب ایده شهر جدید با ابزار توسعه ناحیه ای به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت (همان). مکتب آمایش انسانی یا نظریه شهر انسان برنامه ریزی شهری را مطرح می کنند که در ساخت شهر، باید جغرافی دان، جامعه شناس، تاریخ شناس، روان شناس، اقتصاد دان و معمار با هم شرکت داشته باشند و شهر را فقط معماران نسازند. در این باره گروهی نیز «نظریه سلامت روان» و مشارکت شهروند در شکل بخشیدن به شهر را توصیه می کنند. این نظریه نقش برنامه ریزی را به عنوان عاملی در کاهش رفتار توصیه می کنند (همان).

بحث و نتیجه گیری

درست است که اراده حرف آخر را در چگونگی رفتار زندگی انسان می زند، اما اراده را هم خواست های درونی و بیرونی فرد و طرز فکر و سطح اندیشه افراد تعیین می کند. پس می توان با برنامه ریزی بر عوامل تاثیر گذار کیفیت تربیت فرد در جامعه را مشخص و پرورش مورد نظر را عملی ساخت. از عوامل تعیین کننده نوع رفتار می توان به وراثت، محیط و جغرافیا اشاره کرد که وراثت بصورت جبر برای انسان از آغاز زندگیش به او سپرده می شود و خصوصیات جسمی و روحی پدران و مادران از گذشته به او داده می شود. و محیط را هم در اینجا زندگی پیرامونی فرد می دانیم مانند: خانواده، محله، مدرسه، دوستان ... محیط پرورش دهنده انسان است که می تواند خصوصیات ذاتی آن را تشدید و یا تضعیف کند دو محیط متضاد در کنار هم می تواند برای فرد نتایج متفاوتی را در پی داشته باشد، دو خانواده در یک محل با سطح نیاز مختلف و سطح فرهنگ متفاوت خاص خود تاثیرات بسیار متضادی بر روی تربیت رفتاری افراد خود دارند. و همچنین جغرافیا که بسیار بزرگ تر و فراگیر تر می باشد و تمام افراد خواسته و ناخواسته در آن مشغول زندگی می باشند. با توجه به اقلیم های متفاوت، زندگی های متفاوتی در کره زمین بوجود آمده است که هر محیط طبیعی در جغرافیای بزرگ سیاره ما نوع فرهنگ و معیشت و نگاه به هستی را در پی داشته است؛ طبیعتا افرادی که در مناطق قطبی، معتدل، بیابانی، استوایی زندگی می کنند روحیاتی متناسب با خود و متضاد با اقلیم های دیگر دارند، بی تردید روحیات و رفتار جایی که اقلیم زیستش مناسب و طبیعتی دست دل باز دارد با اقلیمی که محیطی سخت و خشن همراه با محدودیت های مختلف به افراد تحمیل می کند با هم یکسان نیست و یا افرادی که در کوهستان، دشت یا جلگه زندگی می کنند هم از محیط تاثیر پذیرفته و رفتاری متناسب با شرایط تحمیل شده را ارائه می دهند البته این به آن معنا نیست که تمام افراد اینگونه رفتار کنند زیرا هر شخصی با شرایط، خواست ها و تجربه های خود زندگی می کند اما عمومیت همان است که گفته شد به عنوان مثال هر اقلیمی پوشش گیاهی خاص خود را دارد (مثل عرض های بالا به سمت قطب که تنوع در سوزنی برگان و در عرض های پایین و استوا که تنوع و اکثریت در پهن برگان است) که انسان هم در هر جغرافیای طبیعی و انسانی تنوع خاص خود اما با ویژگی های عمومی یکسان را دارا می باشد. در اغلب مطالعات انجام شده (مورد رویت)، پژوهشگران در زمینه عوامل تاثیر گذار بر رفتار، آنها وراثت و محیط را جدای از جغرافیا مورد مطالعه و تحقیق قرار داده اند اما در این پژوهش ما سه عامل یاد شده را با تاثیر گذاری بر روی همدیگر مورد مطالعه قرار داده ایم و در پرداختن به عامل جغرافیا تاکید ویژه ای بر روی جغرافیای شهری داشته ایم زیرا هم اکنون بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می کنند که بر اساس پیش بینی ها این میزان تا سال ۲۰۵۰ به ۶۶ درصد هم می رسد.

بین عوامل یاد شده تنها یک عامل و آن هم نسبیت است که حاکم است و اگر انسان بتواند با اراده و قدرت اختیاری که دارد به مرور شرایط تمام عوامل را به نفع خود تغییر دهد و جغرافیا، محیط، وراثت، تحت کنترل او و برنامه ریزی شده برای پرورش انسان و شرایط زندگی کاملتر و کیفیتی شایسته را بوجود بیاورد، در حقیقت نوعی جبر را می تواند بر عوامل یاد شده حاکم

کند و آنها را در یک مسیر مثبت به حرکت در آورد و نسل هایی بسیار شایسته را در جهان تربیت کند و بوسیله آنها جهانی شایسته تشکیل و اداره شود. وراثت را می توان با محیط و محیط را با جغرافیا و جغرافیا را با برنامه ریزی، دانش و تکنولوژی اصلاح و شرایط زیست بهتر را برای فرد و نسل های بعدی فراهم کرد. اگر جغرافیای شهر و روستا را به همراه محیط مادی و معنوی که فرد در آن زندگی می کند را بگونه ای آماده پرورش افراد قرار دهیم که موجب بروز و پرورش استعداد های وراثتی و تمام توان های بلقوه او شود و در عین حال خصوصیات منفی او را تا حد امکان کنترل و مانع از گسترش آن در جامعه شود بعد از گذشت چند نسل روان سالمی را می توان برای آیندگان برجای گذاشت.

منابع

اسلام پور، عسگری. (۱۳۸۹)، محیط زیست در اسلام. مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما، کد: ۱۶۳۹، آبان ۱۳۸۹.

http://pajuhesh.irc.ir/Product/book/show/id/1639/book_keyword//occasion//index/1/indexId/169237

اخوان بهبهانی، مهرداد. (۲۰۱۰)، تاثیر آب و هوا بر روحیه و رفتارها. پایگاه جامع اطلاعات پزشکی، ایران سلامت، ۱۱ - Nov - 2010.

<http://forum.iransalamat.com/>

امامقلی، عقیل و آیوازبان، سیمون و علی زاده، محمدی و اسلامی، غلامرضا. روانشناسی محیطی عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. فصلنامه علوم رفتاری، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۲۴، ص ۳۱، ص ۳۲، ص ۳۴.

بصیری، حمید رضا و گوهری، مریم. نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث. مجله سراج منیر، سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۰۶-۱۰۷، ص ۱۰۷، ص ۱۰۹، ص ۱۰۸.

پایگاه اطلاع رسانی حوزه پاسدار اسلام. تاثیر محیط زیست سالم بر انسان در آموزه های اسلامی. شماره ۳۰۰، آذر ۱۳۸۵.

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/89/4967/42920>

پایگاه حوزه. عوامل تاثیر گذار بر تربیت انسانی. شمیم یاس، شماره ۵۹، بهمن ۱۳۸۶.

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3674/6078/64271/>

پایگاه خبری تحلیلی شهدای ایران. امام علی (ع) فیلسوف بشریت. کد خبر: ۵۷۳۳۹، ۱۶ آبان ۱۳۹۴.

<http://tnews.ir/news/133E33492642.html>

پایگاه خبری تحلیلی فرارو. نقش اقلیم در تفاوت مردم ایران با سایر کشورها. کد خبر: ۲۳۰۳۶۷، ۲۹ فروردین ۱۳۹۴.

<http://fararu.com/fa/news/230367/>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. خاکرند، شکرالله. نظریه جغرافیایی فلسفه تاریخ، کد: ۱۰۷۲۹۴

<http://www.ensani.ir/fa/content/107294/default.aspx>

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان. نقش وراثت و محیط در تربیت از منظر قرآن

<http://isca.ac.ir/PORTAL/home/?paper/27976/205244/206716>

خبرگزاری دانشجویان ایران/ایسنا. اگر نصف جهان بدخلق شد چرا ندارد. سرویس استانها/ اصفهان، کد خبر: ۹۲۰۴۲۹۱۷۴۱۰، ۲۹ تیر ۱۳۹۲.

<http://isna.ir/fa/print/92042917410/>

رادمنش، عطا محمد، نوری، ابولقاسم و گلشن، فرناز. تاثیر وراثت و محیط بر روان آدمی از دیدگاه سعدی/ بنیاد و تربیت. مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۸، فروردین ۱۳۸۷. صفحه ۵۳، ص ۵۳-۵۵، ص ۵۲، ص ۵۴، ص ۵۶.

زیاری، کرامت الله ۱۳۸۹. برنامه ریزی شهرهای جدید. چاپ یازدهم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. صفحه ۲، ص ۳، ص ۱۹.

سایت پایگاه حوزه. اخلاق خوانوادگی/ عوامل موثر در طهارت و تربیت فرزند از منظر امام خمینی رحمه الله. گنجینه، شماره ۵۲، خرداد ۱۳۸۴.

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/4693/4734/37746>

سایت پایگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی. نظریه جدید درباره نقش وراثت و محیط در هوش

<http://www.ensani.ir/fa/content/101359/default.aspx>

سایت علمی دانشجویان ایران. وراثت بر محیط تاثیر می گذارد یا محیط

<http://www.daneshju.ir/forum/f1081/t72104.html>

سلمانیان، مریم، گل کار، آرزو. محیط جغرافیایی و نقش آن در حفاظت و زنده سازی فرهنگ معماری بومی مناطق گرم خشک. چهارمین کنگره بین المللی جغرافی دانان جهان اسلام. ایران- زاهدان، فروردین ۱۳۸۹، صفحه ۲۵-۲۷.

شریعتمداری، علی. ۱۳۸۷. روانشناسی تربیتی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات امیرکبیر. صفحه ۵۶، ص ۸۲، ص ۵۸، ص ۶۰-۶۱، ص ۷۴، ص ۷۹-۸۰، ص ۵۳.

شکوئی، حسین ۱۳۸۶. اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، چاپ نهم، تهران، انتشارات گیتاشناسی. صفحه ۲۵۸-۲۵۹، ص ۲۶۱، ص ۲۶۴.

شهیدی، جواد. اثر عامل وراثت و محیط در ارتکاب جرائم. مجله کانون وکلا، شماره ۶۴، اردیبهشت ۱۳۳۸، صفحه ۱۴، ص ۱۳-۱۴.

کاظمی حقیقی، ناصر الدین. تحول هوش در قلمرو وراثت و محیط. مجله استعداد های درخشان، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۴، ص ۴-۵.

کردوانی، پرویز. نگاهی به نقش عوامل طبیعی اقلیم، کوه، دشت و دریا در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در برخی مناطق. مجله نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۲، صفحه ۱۲۷.

کریمی، علی. (۱۳۹۴). ژنتیک رفتار بررسی نقش ژنتیک در ایمان مذهبی، سایت دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، کد مقاله: ۱۳۲۹، ۲۹ شهریور ۱۳۹۴.

<http://www.bmsu.ac.ir/Services/Article/View.aspx?OId=1329>

لطیفی، امین و سجادزاده، حسن. ارزیابی تاثیر مولفه های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک های شهری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۵، ص ۶، ص ۱۸.

مجله اینترنتی برترینها. راه رسم قد کشیدن، کد خبر: ۱۳۵۵۱، ۲۱ آذر ۱۳۹۰.

<http://www.bartarinha.ir/fa/news/13551>

مطالعات سازمان ملل

مرکز

متحد-تهران، شهر نشینی بیش از نیمی از جمعیت جهان.

http://www.unic-ir.org/index.php?option=com_content&view=article&id=541

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی. تاثیر نوع اقلیم بر تربیت و شخصیت و رفتار. ۲۹ مهر ۱۳۹۰.

<http://www.askquran.ir/thread28908.html>

مشرق نیوز. تغییرات جمعیتی تا سال ۲۱۰۰. کد: ۴۵۵۴۷۵، ۲۸ مرداد ۱۳۹۴.

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/455475>

موسسه فرهنگی بشارت. عوامل موثر در تربیت

<http://www.bsharat.com/id/1/8/8a.html>

موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، روزنامه ایران. کلان شهرها بهشت بزهکاران و مجرمان

<http://iran-newspaper.com/Newspaper/MobileBlock?NewspaperBlockID=71105>

نظری، علی اصغر ۱۳۸۳، مبانی علم جغرافیا. چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور. صفحه ۱۷، ص ۱۵، ص ۱۶.

نقره کار، عبدالحمید و حمزه نژاد، مهدی و دهقانی تفتی، محسن. بررسی تاثیر محیط بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع. مجله آرمان شهر، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صفحه ۹۰، ص ۹۱.

123Helpme.com, 12 aug 2009, "The Influence of Geography and the Environment On the Development of Early Civilization", <http://www.123Helpme.com/preview.asp?id=189344>

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران